

The Evolution of Architectural Education in Iran with the Formation of Academic Education at the University of Tehran and Shahid Beheshti (National University of Iran)

Ali Rahmanpour Zanjani¹  | Seyedeh Elham Rezaei² 

1. Faculty member of department of architecture, University of Zanzibar, rahmanpour@znu.ac.ir

2. PHD of architecture, University of Tehran. E.rezaei@ut.ac.ir

Article Info:

Article type:
Research Article

history:
Received:
2024/7/28

Received:
2024/11/1

Accepted:
2024/11/28

Published:
2025/2/3

Keywords:

architecture
education, academic
architecture
education, Beaux-Arts
education system.

Abstract: At a time when architecture education in Iran was realized only through traditional teacher-student methods and practical training (education in which the teacher transferred his experiences to the student through practice), only a few architects taught sciences such as geometry, arithmetic, and astronomy in classroom settings. Communication with the West and the sending of students to study in Europe marked the beginning of changes in architectural education in Iran. Therefore, the first steps toward teaching architecture academically, shaping the current educational system, are of great significance. These developments led to the formation of university-level education, beginning with the establishment of the University of Tehran in 1940 (1319 SH) and the National University (now Shahid Beheshti University) in 1960 (1339 SH). The purpose of this article is to investigate the educational developments in the field of architecture from the formation of academic education to the contemporary period at the two pioneer universities (University of Tehran and Shahid Beheshti University), as well as the factors affecting the current educational process. The present study uses an applied approach with historical and survey-based methods, relying on library sources, field studies, and interviews with Dr. Iraj Etesam and Saed Samiei, who were professors at both universities in their early years, to examine the key factors influencing architectural training. The research findings indicate that after the establishment of the Fine Arts Campus and the foundation of the National University (Shahid Beheshti), followed by other universities across the country, architectural education gained academic popularity. The University of Tehran, as the mother university, became a model for many schools of architecture. Subsequently, changes in the educational process led to the diversification of educational methods, which will be discussed further.

Cite this article: Rahmanpour Zanjani, A. Rezaei, S. (2025) The Evolution of Architectural Education in Iran with the Formation of Academic Education at the University of Tehran and Shahid Beheshti (National University of Iran), *Architectural & Environmental Research* 2(3), 235-266. <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2048959.1172>

© The Author(s).

Homepage: jaer.znu.ac.ir

Publisher: University of Zanzibar





تحول آموزش معماری در ایران با شکل‌گیری آموزش آکادمیک در دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران)

علی رحمان پور زنجانی | سیده الهام رضائی

۱. استادیار گروه معماری دانشگاه زنجان، ایران. rahmanpour@znu.ac.ir

۲. دکتری تخصصی معماری، دانشگاه تهران. E.rezaei@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ‌ها:

دریافت: ۱۴۰۳/۵/۷

بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۱۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۸

انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

واژگان کلیدی:

آموزش معماری، آموزش آکادمیک، سیستم آموزشی

بوزار

چکیده: در دورانی که استاد گنجینه‌ای از تجربیات خود را به صورت عملی و سینه‌به‌سینه به شاگردش منتقل می‌کرد، آموزش معماری در ایران به صورت عملی از طریق آموزش سنتی و استاد-شاگردی تحقق می‌یافت. ارتباط با غرب و اعزام محصلان برای تحصیل در اروپا زمینه تحولات آموزش معماری در ایران را فراهم کرد. در نهایت، با تأسیس نخستین مدرسه‌ی جدید معماری ایران در دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۹ و پس از دو دهه، دومین مدرسه‌ی معماری ایران (دانشکده‌ی معماری دانشگاه ملی ایران)، آموزش معماری در ایران به صورت آکادمیک آغاز گردید. هدف مقاله حاضر بررسی تحولات آموزشی در حوزه‌ی معماری از شکل‌گیری آموزش آکادمیک تا دوره‌ی معاصر، در دو دانشگاه مادر (دانشگاه تهران و شهید بهشتی) و تأثیر آن بر روند فعلی آموزش می‌باشد. تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و راهبرد تحلیلی و تکنیک تفسیری-تاریخی انجام گردیده و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از اسناد و سوابق پژوهشی و مصاحبه با دکتر ایرج اعتصام و ساعد سمیعی به عنوان اساتید هر دو دانشگاه در بدو تأسیس، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری آموزش معماری با تکنیک تحلیل محتوا پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که پس از تأسیس پردیس هنرهای زیبا در دانشگاه تهران و دانشکده معماری در دانشگاه ملی (شهید بهشتی)، آموزش معماری به صورت آکادمیک رواج پیدا کرد و این دو دانشگاه به عنوان دانشگاه‌های مادر، الگوی بسیاری از دانشکده‌های معماری تازه‌تأسیس قرار گرفتند. در ادامه، تغییراتی در روند آموزشی به وجود آمد که موجب تعدد شیوه‌های آموزشی گردید.

استاد: رحمان پور زنجانی، علی رضائی، سیده الهام (۱۴۰۳). تحول آموزش معماری در ایران با شکل‌گیری آموزش آکادمیک در دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران). پژوهش‌های معماری و محیط، ۳۲(۳)، ۲۶۶-۲۳۵. <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2048959.1172>
ناشر: دانشگاه زنجان.
© نویسندگان .

DOI: <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2048959.1172>

Homepage: jaer.znu.ac.ir



مقدمه

است.

انتقال بدنه‌ی آموزش معماری از عرصه‌ی حرفه به عرصه‌ی مدرسه، از اوایل سده‌ی چهاردهم شمسی در مؤسساتی آغاز شد و سرانجام با تأسیس نخستین مدرسه‌ی جدید معماری ایران در دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۹ آغاز گردید (ندیمی، ۱۳۷۵: ص ۱۴). پس از دو دهه، دومین مدرسه‌ی معماری ایران (دانشکده‌ی معماری دانشگاه ملی ایران) با استفاده از تجارب مدرسه‌ی اول و برخی از مدارس اروپا تأسیس شد. هم‌اکنون با تغییرات و تحولات رخ داده در سیستم آموزشی اعم از تعدد دانشکده‌های معماری، نحوه‌ی جذب، ارزیابی و فارغ‌التحصیلی دانشجویان و ... با کثرت در آموزش معماری در دانشگاه‌ها مواجه هستیم؛ آتلیه‌های متعددی که در هر دانشگاه زیر نظر اساتید مختلف که هر یک با سبک و نظر خود شیوه‌ای آموزشی را پیش گرفته‌اند. علت و چگونگی رسیدن به وضعیت فعلی آموزش معماری، پرسشی است که در راستای آن نیاز به بررسی اتفاقات و

آموزش معماری امروزه از اهمیت والایی در بین معلمان معماری برخوردار است و از آنجا که مقوله‌ی طراحی به عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای آموزش معماری مطرح است، کیفیت ارتقای آموزش آن امری ضروری است. تا پیش از روزگار مدرن، آموزش معماری در عمل و در نظام استاد و شاگردی بود و تنها راه ورود شاگرد به حرفه‌ی معماری از طریق طی کردن سه مرحله‌ی (۱) آموزش عملی (جستجو کردن شاگرد)، (۲) آموزش معنویات (تربیت شاگرد)، و (۳) آموزش نظری (خبرگی شاگرد) پس از طی سالیان زیر نظر استاد تحقق می‌یافت. گذشته از تعلیم ابتدایی مکتب‌خانه‌ها، فقط برخی از معماران مقدمات و کلیات علمی چون هندسه، حساب و نجوم را در مجالس درس می‌آموختند. در اروپای پیش از رنسانس نیز تا پیش از رواج آموزش معماری به شیوه‌ی مدرن، وضعیت چنین بود (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۵). ریشه‌های آموزش در ایران به غرب بازمی‌گردد و به همین جهت تأثیرات آن بر آموزش معماری ایران مورد بررسی قرار گرفته

زمینه‌های شکل‌گیری آموزش آکادمیک از گذشته تا کنون است.

۱. مفاهیم و زمینه‌های پیدایش آموزش آکادمیک در ایران

انگیزه‌ی اعزام نخستین گروه از ایرانیان برای تحصیل در اروپا، اولین قدم در آموزش آکادمیک معماری محسوب می‌شود. این اقدام ناشی از تمایل دو جانبه‌ی ناپلئون و فتحعلی‌شاه برای تحکیم پیوندهای دیپلماتیکشان در قالب پیشنهاد فتحعلی‌شاه به ژنرال گاردان برای اعزام پسران هفت تا هشت خانواده‌ی سرشناس ایرانی برای تحصیل در فرانسه مطرح شد. این طرح هرگز به اجرا در نیامد، چراکه مناسبات ایران و فرانسه رو به تیرگی رفت. در ادامه، دستور آموزش یک گروه نخبه در موضوع‌های مرتبط با امور نظامی (هندسه و نحوه‌ی ساختن قلعه‌ها) زیر نظر افسر فرانسوی از اقدامات اصلاحی زمان عباس‌میرزا در دوره‌ی قاجار بود. دو سال پس از امضای پیمان دوستی مقدماتی میان ایران و انگلستان در سال ۱۸۰۹ میلادی، میان عباس‌میرزا و سرهارفورد جونز توافقی در زمینه‌ی اعزام تعدادی از

دانشجویان ایرانی به انگلستان صورت گرفت و سرهارفورد جونز با فرستادن دو دانشجو با نام‌های محمد کاظم (پسر نقاش‌باشی عباس‌میرزا) و حاجی‌بابا افشار (میرزا بابا افشار، پسر یکی از افسران عباس‌میرزا) برای فراگیری رشته‌های نقاشی و طب در انگلستان موافقت کرد (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ص ۱۳). تحصیلات این دو تن در ایران به صورت مکتبی بود و آنان فاقد مدارک کافی برای ورود به دانشگاه‌های اروپایی بودند؛ به طوری که مسئول سرپرستی این دو دانشجو در نامه‌ای نوشت: «چون این دو دانشجو نوشتن و خواندن فارسی را نمی‌دانند، آموزش زبان انگلیسی نیز به آن‌ها دشوار است. از طرفی، حاجی‌بابا افشار استعداد و توان لازم برای آموزش طب را ندارد». در نهایت، میرزا کاظم در اثر بیماری سل در انگلیس پس از ۱۸ ماه اقامت فوت کرد و حاجی‌بابا پس از ۸ سال بدون موفقیت به ایران بازگشت. این اتفاقات پایان راه نبود و تحولات رخ داده در طول تاریخ (جدول شماره ۱) زمینه‌های شکل‌گیری آموزش دانشگاهی را به وجود آورد.

جدول شماره ۱- زمینه‌های پیدایش آموزش دانشگاهی در ایران

زمینه‌های پیدایش آموزش دانشگاهی در ایران
افزایش روابط ایران با غرب در دوران صفویه
مواجهه با تمدن غرب در دوران قاجار
اصلاحات عباس میرزا
امیرکبیر و تأسیس دارالفنون
سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا و نخستین برخوردهای جدی ایرانیان با نوآوری‌های غربی
انتشار سفرنامه‌ها و توصیف فضاهای آموزشی در آن‌ها
بازگشت اولین معمار تحصیلکرده ایرانی میرزا مهدی خانقشایی معروف به (ممتحن الدوله) از پاریس در سال ۱۲۴۳ خورشیدی (۱۸۶۴ میلادی) به ایران
اصلاحات در دوره مظفرالدین شاه و حمایت از مدارس و تعلیم و تربیت نوین
مدرنیته ایرانی و شکل‌گیری قشری روشنفکر - یا به اصطلاح قشر تحصیل کرده
رضا شاه و ابعاد مختلف اصلاحات در زمینه‌نوسازی ایران
شکل‌گیری نهادهای نوین آموزش در ایران

و بعد از آن به ایران فراخوانده شدند. ریشه‌های پیدایش آموزش آکادمیک معماری در ایران را باید در زمینه‌های پیدایش آموزش دانشگاه در طول تاریخ ایران و همچنین اولین مدارس و روند شکل‌گیری مدارس معماری جست‌وجو کرد. در این میان، نقش مدارس اولیه در ایران به عنوان بستر ساز آموزش دانشگاهی معماری را نادیده نباید گرفت (جدول ۲).

نخستین معماران جدید در ایران محصلانی بودند که از روزگار عباس میرزا برای تحصیل به اروپا اعزام شدند. میرزا صالح شیرازی (جهت تحصیل در زبان‌های اروپایی و علوم طبیعی)، میرزا سید جعفر (مهندسی سیویل)، میرزا رضا سلطان توپخانه (مهندسی توپخانه)، استاد محمدعلی (اسلحه‌سازی) و میرزا محمد جعفر (پزشکی) به عنوان دانشجویان تا سال ۱۱۹۸ خورشیدی در انگلیس ماندند

جدول شماره ۲- مدارس زمینه ساز آموزش دانشگاهی معماری در ایران

مدارس زمینه ساز آموزش دانشگاهی معماری در ایران	
مدرسه دارالفنون را می‌توان نخستین مدرسه عالی به شیوه‌ای غربی از نظر محتوا دانست که توسط امیرکبیر بنیان نهاده شد. طرح ساختمان مدرسه دارالفنون توسط نخستین تحصیل کرده ایرانی به نام میرزا رضا مهندس باشی تهیه شد که در رشته مهندسی سیویل در مدرسه نظام انگلیس تحصیل کرده بود و در رشته ساختن قلعه‌های نظامی تخصص یافته بود. کریم طاهرزاده بهزاد (۱۲۶۷-۱۳۴۲) که ابتدا در دانشکده هنرهای زیبا در استانبول و سپس در آکادمی معماری برلین تحصیل کرده بود، در سال ۱۳۰۵ به ایران بازگشت و برای اولین بار برنامه‌ای برای مدرسه مهندسی و معماری تهیه نمود. این برنامه از طرف وزیر فرهنگ وقت پذیرفته شد و اولین مدرسه معماری در سال ۱۳۰۶ شمسی (۱۹۲۷ میلادی) در دارالفنون ایجاد گردید. در آیین نامه مدرسه مذکور مهندسی و معماری (دوره چهار ساله) و معاون مهندسی و معماری (دوره دو ساله) تعیین گردید.	مدرسه دارالفنون
در سال ۱۲۸۹ توسط محمد غفاری (کمال الملک) تاسیس شد و شالوده شکل گیری آموزش منظم نقاشی در ایران معاصر بود.	مدرسه صنایع مستظرفه
در سال ۱۳۰۸ بر اساس آموزش نوین موسیقی در شورای عالی معارف تصویب شد و مسیر گسترش موسیقی در مدرسه ای مستقل و رسمی هموار گردید.	مدرسه موسیقی شهنازی
برنامه آن در سال ۱۳۱۲ در شورای عالی معارف تصویب گردید. پس از بررسی اساسنامه نام آن به هنرستان موسیقی تغییر کرد نتیجه آن شکل گیری تدریجی مدرسه‌ای عالی برای آموزش هنرهای زیبا بود.	مدرسه عالی موسیقار
در مهر ماه ۱۳۱۷ برنامه هنرستان عالی هنرهای زیبای باستانی، هنرهای زیبای نوین و هنرستان دولتی بانوان جهت بررسی به شورای عالی معارف توسط وزارت پیشه و هنر پیشنهاد گردید که اساسنامه و برنامه «هنرستان عالی هنرهای زیبا» در تاریخ چهارم دی ماه ۱۳۱۸ در دوازده ماده به تصویب رسید. تصویب اساسنامه هنرستان عالی هنرهای زیبا در شرایطی انجام گرفت که شورای دانشگاه تهران نیز به موضوع تشکیل دانشکده هنرهای زیبا توجه نشان می داد. با عنایت به چنین پیشینه‌ای برای گسترش آموزش های هنری، سرانجام دانشکده هنرهای زیبا در مهرماه سال ۱۳۱۹ با موافقت وزارت فرهنگ و با اعتبار سالیانه یکصد هزار ریال در دبیرستان مروی با سه شعبه معماری، نقاشی و مجسمه سازی شروع به کار کرد. به پیشنهاد آقای اسماعیل مرآت، ریاست دانشگاه، الحاق دانشکده هنرهای زیبا به شعبه دانشگاه با تبدیل کلمه مجسمه سازی به حجاری تصویب گردید.	هنرستان عالی هنرهای زیبا

شرایطی انجام گرفت که شورای دانشگاه تهران نیز به موضوع تشکیل دانشکده‌ی هنرهای زیبا توجه نشان می‌داد. با عنایت به چنین پیشینه‌ای برای گسترش آموزش‌های هنری، سرانجام دانشکده‌ی هنرهای زیبا در مهرماه سال ۱۳۱۹ با موافقت وزارت فرهنگ و با اعتبار سالیانه‌ی یکصد هزار ریال در دبیرستان مروی با سه شعبه‌ی معماری، نقاشی و مجسمه‌سازی شروع به کار کرد.

علاقه به ادامه‌ی حیات دانشکده باعث شد تا استادان در ابتدا به تدریس افتخاری مبادرت کنند و به علت کمبود جا، کارگاه‌ها را به ناحیه‌ی غربی بنای جدید دانشکده‌ی فنی در محوطه‌ی دانشگاه تهران منتقل کنند. در چنین شرایطی، به پیشنهاد آقای اسماعیل مرآت، ریاست دانشگاه، تأسیس دانشکده‌ی هنرهای زیبا و الحاق آن به شعبه‌ی دانشگاه مطرح شد و طرح مزبور در سه ماده با تبدیل کلمه‌ی مجسمه‌سازی به حجاری تصویب گردید. در چنین شرایطی، زمین‌های متعدد دانشگاه در سال ۱۳۲۱ (به عنوان مثال: شش دانگ یک

انتقال بدنه‌ی آموزش معماری از عرصه‌ی حرفه به عرصه‌ی مدرسه، که از اوایل سده‌ی چهاردهم شمسی در مؤسساتی مطرح بود، با تأسیس نخستین مدرسه‌ی جدید معماری ایران در دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۹ آغاز گردید. نزدیک به دو دهه بعد، دومین مدرسه‌ی معماری ایران (دانشکده‌ی معماری دانشگاه ملی ایران) با استفاده از تجارب مدرسه‌ی اول و برخی از مدارس اروپا تأسیس شد. این دو دانشگاه به عنوان دانشگاه‌های مادر، الگوی بسیاری از دانشکده‌های معماری تازه تأسیس قرار گرفتند که ساختار آن‌ها به عنوان زمینه‌ساز تغییرات در روند آموزش آکادمیک بررسی شده است.

۲. دیدگاه‌ها و مبانی نظری

۲-۱. دانشکده هنرهای زیبا

مطابق با اسناد تاریخ دانشگاه تهران، مجلس شورای ملی اجازه‌ی تأسیس مؤسسه‌ای به نام دانشگاه برای تعلیم درجات عالی‌ه علوم و فنون و ادبیات را در سال ۱۳۱۳ صادر کرد و تصویب اساسنامه‌ی هنرستان عالی هنرهای زیبا در

۱۳۸۶: صص ۷-۱۰):

الف- فصل اول

هدف از تأسیس دانشکده‌ی هنرهای زیبا پرورش معماران، نقاشان و حجاران لایق است.

سه رشته‌ی معماری، حجاری و نقاشی به عنوان شاخه‌های مختلف دانشکده تصویب شد.

تحصیلات در تمام رشته‌های دانشکده رایگان است.

تحصیلات دانشکده در دو قسمت عملی و نظری در نظر گرفته شده است.

دانشجویی که در دانشکده‌ی هنرهای زیبا پذیرفته می‌شود، با موافقت اداره‌ی دانشکده استاد خود را انتخاب می‌نماید و رهبری تحصیلات او تا پایان به عهده‌ی آن استاد واگذار می‌گردد.

ب- فصل دوم

تحصیلات دانشکده به دو دوره‌ی نظری و عملی تقسیم شده و در دوره‌ی نخست مدت آن دو سال در نظر گرفته شده که همه آموزش‌ها نظری بوده و دانشجو پس از اتمام دوره باید امتحان داده و پس از

قطعه زمین به مساحت ۱۲۸۵ متر مربع واقع در بخش سه حسن آباد به ارزش هفتاد و نه هزار و ششصد و هشتاد و پنج ریال معامله گردید) خریداری شد (اصیلی، ۱۳۹۶: ص ۱۱). در نهایت، آیین‌نامه و اساسنامه‌ی دانشکده به شرح زیر تصویب گردید.

۱-۱-۲. اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری دانشکده‌ی هنرهای زیبا

آیین‌نامه‌ی سه ماده‌ای تأسیس دانشکده‌ی هنرهای زیبا به تاریخ ۹ شهریور ۱۳۱۹ در شورای دانشگاه تهران، شروع سال تحصیلی ۱۳۲۰-۱۳۱۹ را در آموزشگاهی با نام «دانشکده‌ی هنرهای زیبا» در تهران به عنوان یکی از دانشکده‌های دانشگاه تهران تأیید کرد. منظور از تأسیس این دانشکده، آموختن فنون گوناگون معماری، حجاری، نقاشی و قسمت‌های دیگر هنرهای زیبا بود که اساسنامه و برنامه و آیین‌نامه‌های لازم این دانشکده جداگانه تهیه و به تصویب شورای دانشگاه رسید. اولین اساسنامه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبا به شرح زیر در سه فصل تنظیم گردید (زرگری‌نژاد،

موفقیت در امتحان به دوره‌ی دوم که شامل تحصیلات عالی نقاشی، معماری و مجسمه‌سازی است، وارد می‌شود. در بند «ب» قید شده است که مدت این تحصیلات محدود نیست و به نسبت استعداد و کار دانشجویان متفاوت خواهد بود. در این دوره، امتحان نهایی به عمل نمی‌آید، ولی دانشجویان باید به تدریج در مسابقه‌هایی شرکت جویند و شماره‌ی معینی پاداش مطابق با (جدول ۳) دریافت دارند.

جدول ۳- دروس معماری دانشکده هنرهای زیبا در بدو تاسیس (تنظیم بر اساس نشریه دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۴۳)

دروس معماری ۲ ساله			
سال اول		سال دوم	
دروس نظری	پاداش (والور)	دروس نظری	پاداش (والور)
تاریخ هنر	۱	تاریخ هنر	۱
تابلوشناسی و مجسمه سازی	۱	تاریخ تمدن ملل	۱
تاریخ تمدن ملل	۱	ساختمان	۱
هندسه ترسیمی	۱	بتن مسلح	۱
مقطع سازی	۱	مساحی	۱
تعادل و مقاومت	۱	برآورد و اندازه برداری	۱
مناظر و مرایا	۱		
ساختمان	۱		
دروس عملی	پاداش (والور)	دروس عملی	پاداش (والور)
طراحی	۲	طراحی	۱
مدل سازی	۱	قالب گیری	۱
طرح معماری	۴	طرح معماری	۴
ابداع طرح‌های تزئینی	۲	ابداع طرح‌های تزئینی	۳

ج- فصل سوم

بر اساس آیین‌نامه‌ی دانشکده با داشتن

شرایط زیر در دانشکده‌ی هنرهای زیبا پذیرفته شوند:

- داوطلبان دسته اول: در موقع نام‌نویسی بایستی گواهی‌نامه‌ای دال بر تحصیل در یک آموزشگاه معماری، نقاشی و حجاری در دست داشته باشند. در این صورت، از گذراندن امتحان ورودی معاف بوده و با تصویب شورای عالی دانشکده می‌توانند در شمار دانشجویان دانشکده‌ی هنرهای زیبا درآیند. ولی آموختن دروس نظری سال اول و دوم دوره‌ی اول اجباری است.

- داوطلبان دسته دوم: ناگزیر به گذراندن امتحان ورودی می‌باشند و در موقع نام‌نویسی برای امتحان بایستی گواهی‌نامه‌ای از معمار، نقاش یا مجسمه‌سازی که نزد آن‌ها کارآموزی نموده‌اند، در دست داشته باشند. به علاوه، اسناد و مدارک کارهایی را که انجام داده‌اند باید همراه داشته باشند و در صورت تصویب شورای عالی دانشکده می‌توانند در امتحان ورودی شرکت نمایند.

- دانشجویان پس از آنکه طبق آیین‌نامه دوره‌های لازم را طی نموده و پاداش‌های کافی به دست آوردند باید نمونه‌ای از کار خود را در رشته مربوط تقدیم نمایند و در صورتی که هیات قضات آن را پذیرفت به درجه لیسانس نایل می‌گردند.

- پس از دریافت درجه لیسانس در صورتی که دانشجو به موجب مقرراتی که در آیین‌نامه جداگانه‌ای معین شده است، نمونه‌ای از کار خود را ارائه دهد و پذیرفته شود، ممکن است به درجه دکتری نیز نایل گردد.

۲-۱-۲ نحوه پذیرش دانشجو در دانشکده هنرهای زیبا

در سال تحصیلی ۱۳۲۰-۱۳۱۹، داوطلبانی که اطلاعات کافی در زمینه‌ی معماری، نقاشی و مجسمه‌سازی را تا حد قابلیت برای پذیرفته شدن در دانشکده‌ی هنرهای زیبا در یک آموزشگاه صنعتی کسب کرده بودند یا هنرآموز یک معمار، نقاش یا یک حجار سرشناس بودند، می‌توانستند

- شرایط پذیرش: از دسته‌ی اول، طبق رأی شورای عالی دانشکده، عده‌ای قبول خواهند شد. از دسته‌ی دوم، پنج تن از داوطلبانی که در امتحان ورودی پذیرفته شده و معدل آن‌ها بیش از سایر داوطلبان باشد، برای ورود به دانشکده‌ی هنرهای زیبا قبول خواهند شد.
 - آیین‌نامه‌ی امتحان ورودی: در خصوص آیین‌نامه‌ی امتحان ورودی دانشکده‌ی هنرهای زیبا مصوب شهریور ۱۳۱۹، داوطلبان شرکت در امتحانات ورودی شعبه‌ی معماری بایستی دارای گواهی‌نامه‌ی دوره‌ی دوم متوسطه و سن بیش از ۱۶ و کمتر از ۲۵ سال داشته باشند (راهنمای دانشگاه تهران، ۱۳۴۴: ص ۴۸۰).
 - زمان نام‌نویسی و امتحان ورودی: نام‌نویسی و امتحان ورودی سالی یک بار در تاریخی که در برنامه‌های سالانه معین شده است، به عمل می‌آید.
 - مواد امتحان ورودی: مواد امتحان ورودی به صورت نوشتنی و زبانی شامل موارد زیر است: یک مسئله از جبر به مدت ۲ ساعت، یک مسئله از هندسه به مدت ۱ ساعت، هندسه‌ی ترسیمی به مدت ۴ ساعت، بسط یک موضوع تاریخی به مدت ۲ ساعت، دو پرسش از تاریخ عمومی، امتحان طراحی از روی مدل تزئینی و مدل بی‌حرکت به مدت ۴ ساعت.
 - تعداد دانشجویان پذیرفته‌شده: شمار دانشجویانی که باید به وسیله‌ی مسابقه پذیرفته شوند، هر سال از طرف دانشکده تعیین می‌گردد.
- ۳-۱-۲- شیوه آموزش دانشکده هنرهای زیبا**
- با شعار «به جای رفتن به فرنگ، فرنگ را به ایران می‌آوریم»، آموزش در هنرهای زیبا شکل گرفت. تأسیس دانشکده‌ی هنرهای زیبا مبتنی بر الگوی آموزشی هنرهای زیبای پاریس (بوزار^۱) بود و شاخصه‌ی اصلی آن اهمیت دادن به فرم‌های زیبا و هنری بود. پس از آن‌دره گذار، ریاست دانشکده‌ی هنرهای زیبا به مهندس محسن فروغی بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ واگذار شد و او توانست با منسجم کردن دانشکده، اساتیدی چون

هوشنگ صانعی، ایرج اعتصام، عبدالعزیز فرمانفرمایان، هوشنگ سیحون و حیدر غیائی را جذب کند. در زمان ریاست مهندس فروغی، چهار آتلیه‌ی اصلی در بخش معماری توسط هوشنگ سیحون، حیدر غیائی، محسن فروغی و آفتاندلسیانس اداره می‌شد و در سال ۱۳۴۱ با ریاست هوشنگ سیحون، سه رشته‌ی تئاتر، شهرسازی و موسیقی تأسیس شد.

دانشکده در بدو تأسیس کاملاً به شکل بوزار اداره می‌شد. برنامه‌ی آموزشی متشکل از دو سیکل^۱ بود. کل دوره حدود ۵ سال طول می‌کشید و ارائه‌ی پروژه‌ی دیپلم یا طرح نهایی حداقل یک سال زمان نیاز داشت. در سیکل اول، یک دوره‌ی ۳ ساله که در سال اول آموزش مقدماتی را در بر می‌گرفت، دانشجویان با اصول طراحی و راندو^۲ و همچنین با سبک‌های کلاسیک و تناسبات عناصر معماری یونان، روم و مصر آشنا می‌شدند (اعتصام، ۱۳۸۷: ص ۱۹). محسن فروغی و هوشنگ سیحون

آشنایی با آثار معماری ایران (دوره‌ی هخامنشیان و ساسانیان) و برداشت از بناهای ایرانی و آشنایی با معماری ایرانی از طریق رولوه را نیز به آن اضافه کردند. در ادامه، پروژه‌های معماری، اسکیس و دکور شکل می‌گرفت. هر یک ماه و نیم، یک پروژه و سپس برای دو هفته یک دکور و هر چند مدت یک اسکیس ارائه می‌کردند (ساعد سمیعی، ۱۳۸۷: صص ۳۳-۳۲). موازی با دروس عملی فن ایستایی ساختمان، نقشه‌برداری و مصالح، دانشجویان در مباحث نظری نیز با تاریخ معماری و هنر غرب آشنا می‌شدند. دانشجویان پس از اتمام سیکل اول می‌بایست پروژه کنستروکسیون^۳ (ساختمانی) را ارائه می‌کردند که موضوع آن را استاد تعیین می‌کرد و در صورت قبولی وارد سیکل دوم می‌شدند (اعتصام، ۱۳۸۷: ص ۱۹). این پروژه بسیار حائز اهمیت بود، زیرا پروژه‌های قبلی بیشتر کانسپچوال^۴ بودند و این پروژه به مباحث فنی، پی‌ستون و اتصالات، فاز اجرایی و جزئیات کامل ساختمانی می‌پرداخت.

به علت عدم وجود مدت زمان اجباری برای گذراندن دروس، هیچ‌یک از دانشجویان هم‌رده نبودند. اکثر دانشجویان از سال دوم به بعد در پروژه‌های خارج از دانشگاه مشغول به کار می‌شدند و زمان شرکت در امتحان به آمادگی خود دانشجوی بستگی داشت. در نتیجه، مدت زمان مشخصی برای فارغ‌التحصیلی در نظر گرفته نمی‌شد (صارمی، ۱۳۸۷: صص ۵۳-۵۴). برای دروس نمره‌ای در نظر گرفته نمی‌شد و هر درس سه امتیاز داشت: مانسیون، مدال درجه دوم و مدال درجه اول؛ که با اخذ تشویق‌ها، دانشجویان در طول سال می‌بایست ۶ تا ۸ پروژه تحویل می‌دادند و مجموع پاداش قبولی برای ورود به سیکل دوم را به دست می‌آوردند (مصاحبه با دکتر ایرج اعتصام، ۱۳۹۷). دانشجویان پس از ۵ سال تحصیل با تهیه‌ی پروژه‌ی دیپلم که حداقل ۱ سال زمان می‌برد و طرح ساختمانی کامل بود، به دریافت درجه‌ی فوق‌لیسانس نائل می‌آمدند. از ویژگی‌های این دانشکده، اجرای سیستم

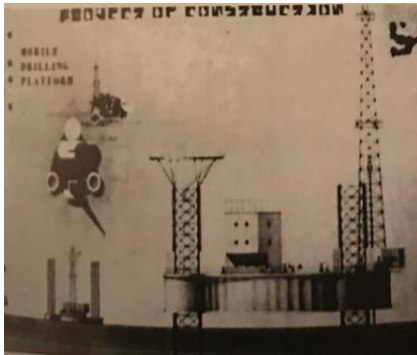
شارت^۱ بوزار و دقت در زمان تحویل پروژه بود که با چند دقیقه تأخیر در تحویل، درهای اتاق ژورژمان^۲ بسته و پروژه‌ها دریافت نمی‌شد و نام دانشجویان در زمان ژورژمان نیز پوشانده می‌گردید. الگوی دانشجویان در آن دوره لوکوربوزیه و میس وندروهه بودند و آثار معماری منتشر شده در مجلات معروف معماری خارجی در دسترس دانشجویان قرار داشت.

در این دوره دو نوع آموزش وجود داشت: دروس تئوری در کلاس‌ها و طراحی در آتلیه‌ها تشکیل می‌گردید. طراحی به عنوان ستون فقرات برنامه‌ی آموزشی در نظر گرفته می‌شد و دانشجویان بیشتر مدت تحصیل خود را در آتلیه می‌گذراندند. گاهی اساتید دانشکده از طریق دوستانشان برنامه‌ی پروژه‌های بوزار را دریافت و پس از ترجمه، به صورت هم‌زمان در آتلیه ارائه می‌دادند. در این روش، دانشجویانی که به آتلیه وارد می‌شدند، تا زمان فراغت از تحصیل در همان آتلیه و زیر نظر همان

استاد باقی می‌ماندند و تنها در زمان ارائه‌ی نتایج داوری کارها، از نظرات سایر اساتید مطلع می‌گشتند. آموزش به گونه‌ای بود که دانشجویان تازه‌وارد تنها از اساتید نمی‌آموختند، بلکه ارزش آموزش از دانشجویان سال بالایی کمتر از اساتید نبود. هر آتلیه مسئولی به نام شف آتلیه داشت که معمولاً از دانشجویان اسم‌ورسم‌دار و مورد تأیید انتخاب می‌شد. او ضمن کنترل حضور و غیاب، هنگام کرکسیون استاد به کسانی که نمی‌توانستند نمره‌ی لازم را کسب کنند، کمک می‌کرد. قضاوت و در معرض نقد عموم قرار گرفتن باعث شناخته شدن دانشجویان شده و امکان دعوت شدن برای کار از طرف صاحب‌کاران را فراهم می‌کرد (مصاحبه با دکتر ساعد سمیعی، ۱۳۹۷).

در دروس طراحی، طرح‌های سیکل اول روی شاسی‌های^۱ ۱۲۰*۸۰ با مقیاس ۱:۱۰۰ تهیه می‌گردید و طرح‌های سیکل دوم که بزرگ‌تر و پیچیده‌تر بودند، با مقیاس کم‌تر و روی شاسی ۱۲۰*۱۶۰

ارائه می‌گردید (همان). شروع به طراحی با اسکیس صورت می‌گرفت. اسکیس از کارهای عملی و در مدت کوتاه برای پردازش ایده اجرا می‌گردید و برای ارائه آن ۸ ساعت و گاهی ۳۶ ساعت زمان در نظر گرفته می‌شد. دکور از دیگر پروژه‌های عملی بود و مقیاس‌های متفاوتی داشت (از طراحی آرم، سربرگ تا شبکه کنار پاسیو و ورودی یک موزه) و معمولاً این طرح‌ها رنگی بود. در درس عملی آنتیک نیز دانشجویان یکی از مجسمه‌های دانشکده که از موزه لوور خریداری شده بود (ونوس، هرکول، کله اسب، دو فرشته با گل) با ذغال طراحی می‌کردند (سپهری و حجت، ۱۳۹۹: ص ۷). در درس مدولار موضوعاتی مانند محوطه سازی، طراحی آب‌نما و مجسمه ارائه می‌شد و دانشجویان آن را می‌ساختند و بیشتر جنبه دکوراتیو داشت. در نهایت این طرح‌ها توسط استادان نقاشی و مجسمه سازی قضاوت می‌گردید.



تصویر ۲- نمونه‌ای از پروژه کنستروکسیون دانشجویان در آتلیه آفتان‌لیانس (آرشو کتابخانه‌ای دکتر ساعد سمیعی)

خون، آرم بانک رفاه، آرم پیکان و ... که یا به صورت پروژه و یا به صورت مسابقه به همراه جایزه تعیین می‌شد، خروجی عملی آتلیه‌ها بود. در این فضای تعاملی میان دانشجویان، آن‌ها علاوه بر آموختن معماری، اخلاق، زندگی اجتماعی و همکاری را به شکل بارز می‌آموختند و تجربه می‌کردند. پس از پایان تحصیلات، دانشجوی معماری می‌توانست هر نوع ساختمان یا تجدید بنای هر محله را به عهده گرفته و با مسئولیت کامل، ضمانت اجرای آن را تعهد نماید. درجه‌ی علمی که دانشجو پس از گذراندن این رشته کسب می‌کند، عنوان مهندس معمار است.

۲-۲. دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی)



تصویر ۱- نمونه‌ای از پروژه دکور در قالب طراحی بخشی از ساختمان (آرشو کتابخانه‌ای دکتر ساعد سمیعی)

در زمان ریاست سیحون، علاوه بر توجه به درس تاریخ هنر، معماری ایران اهمیت داشت و دانشجویان به صورت سفرهای گروهی و بازدیدهای دسته‌جمعی برای رولوه و تهیه‌ی گزارش دقیق همراه با پلان، مقطع و نما از ساختمان‌های باارزش، به نقاط مختلف رفته و ضمن اخذ امتیاز، آن‌ها را در قالب یک پرونده به انجمن میراث فرهنگی ارسال می‌کردند (مصاحبه با دکتر ساعد سمیعی، ۱۳۹۷). تأسیس دفتر فنی نیز در زمان ریاست سیحون در دانشکده برای مشغول به کار شدن دانشجویانی که تمایل داشتند بیشتر در دانشکده بمانند، انجام گرفت. پروژه‌های اجرایی مانند سینما اوین، استخر باشگاه تهران‌پارس، طراحی ساختمان پستی کولا، طراحی لوگو دانشگاه شریف، آرم انتقال

دانشکده معماری دانشگاه ملی ایران، دومین مدرسه معماری ایران است که در سال ۱۳۳۹ هم‌زمان با تأسیس دانشگاه ملی ایران آغاز به کار کرد. تا قبل از تأسیس این دانشگاه، تنها پنج دانشگاه تهران، مشهد، تبریز، اهواز و اصفهان وجود داشت و دانشگاه تهران به مدت ۲۰ سال به عنوان تنها دانشکده آموزش معماری در ایران فعالیت می‌کرد. پس از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، بررسی تاریخ آموزش معماری در دانشکده معماری دانشگاه ملی ایران اهمیت بسیار زیادی در تاریخ آموزش معماری در ایران دارد.

۱-۲-۲. اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی

در آذرماه ۱۳۳۳، محمدرضا پهلوی، حاکم وقت ایران، به آمریکا سفر کرد و در این سفر، دکتر علی‌اشیخ‌الاسلام با سخنرانی خود به عنوان نماینده دانشجویان ایرانی، پیشنهاد تأسیس دانشگاه ملی را برای جلوگیری از خروج دانشجویان ایرانی و رکود نظام آموزشی به وی ارائه کرد. وی با بررسی نظام دانشگاهی در

آمریکا و اروپای غربی، دریافته بود که بیشتر دانشگاه‌های مهم در آن کشورها "ملی" (غیردولتی و با اخذ شهریه) هستند (قیومی بیدهندی و سپهری، ۱۳۹۵، ص ۲۷). (با چنین عقیده‌ای، در همان سال پس از دیدارهای متعدد با مسئولان کشور، موفق به تأسیس دانشگاه ملی (غیردولتی و با اخذ شهریه) در بهمن‌ماه ۱۳۳۸ با نام دانشگاه ملی ایران شد که پس از سال ۱۳۶۲ و انقلاب فرهنگی، به دانشگاه شهید بهشتی تغییر نام یافت.

پروفسور شیخ‌الاسلام با همراهی دکتر مسعود جهان‌آرا که هسته اولیه را تشکیل داده بودند، از دکتر اعتصام و دکتر حاتمی جهت طراحی و تغییر کاربری ساختمان استیجاری مسکونی به آموزشی در دوراهی یوسف‌آباد دعوت به عمل آوردند. همچنین پیش‌نویس برنامه آموزشی معماری توسط دکتر اعتصام (که هم‌زمان در هر دو دانشگاه تهران و ملی حضور داشت) تدوین و به وزارت فرهنگ وقت ارائه گردید (مصاحبه با دکتر ایرج اعتصام، ۱۳۹۷). پس از چند سال، با موافقت حاکم وقت،

کارشناسی معماری صورت پذیرفت (راهنمای دانشگاه ملی ایران). در ادامه، رشته شهرسازی از سال ۱۳۵۳، دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته معماری در سال ۱۳۸۴ و دوره دکتری معماری از سال ۱۳۷۲ به دانشکده اضافه گردید.

۲-۲-۳. شیوه آموزش در دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی

اولین استادان دانشکده معماری دانشگاه بهشتی، تربیت‌یافته دانشگاه تهران بوده و تحصیلات خود را در دانشگاه رم تکمیل کرده بودند. شیوه‌ی آموزشی آنان در ابتدا کاملاً مطابق با هنرهای زیبا بود، ولی در ادامه شیوه‌ای از آموزش طراحی معماری را اختیار کردند که ترکیبی از آموزش معماری در دانشکده هنرهای زیبا، مدرسه بوزار پاریس و سیستم آموزشی ایتالیا بود. از سومین سال تأسیس دانشکده، به تدریج استادان جدیدی به دانشکده پیوستند و آموزش معماری دانشکده را دگرگون کردند. این دانشکده از ابتدا سعی داشت برنامه‌ی آموزشی خود را مطابق با جدیدترین شیوه‌های آموزش معماری هماهنگ کند.

یک میلیون و پانصد هزار متر از زمین‌های سعادت‌آباد و ۱۰ هزار متر از زمین‌های بالای میدان ونک و ۷۰ هزار متر زمین در که، برای اجرای ساختمان دانشگاه ملی در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۵۳، دولت به پیشنهاد درآمدهای نفتی اقدام به پرداخت شهریه‌های مؤسسات آموزش ملی (غیردولتی) و رایگان کردن آن‌ها نمود؛ از این رو دانشگاه از انحصار افراد مرفه خارج و با برگزاری کنکور سراسری، عمومی گردید.

۲-۲-۲. نحوه پذیرش دانشجو در دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی

پذیرش دانشجوی معماری از سال ۱۳۳۹ با درج آگهی در یکی از روزنامه‌ها در دانشگاه تازه تأسیس ملی آغاز گردید که پس از ثبت نام و انجام مصاحبه، اسامی ۱۰۰ نفر به عنوان دانشجوی سال مقدماتی با شهریه ۲۵۰۰ تومان اعلام گردید. فعالیت دانشکده از زمان تأسیس با دعوت از فارغ‌التحصیلان آمریکا و اروپا جهت تدریس در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته مهندسی معماری آغاز گردید و از سال ۱۳۸۲، پذیرش دانشجو تنها در دوره

شیخ‌الاسلام معتقد بود دانشگاه تهران بیست سال پس از تأسیس به رکود و انحطاط افتاده است. او سبب اصلی این وضع را ناآشنایی استادان آن دانشگاه با وضع روز علم در دانشگاه‌های جهان، انحصارطلبی و بهره‌نگرفتن از استادان جدید می‌دانست. به همین جهت، از تعدادی از دانش‌آموختگان ایرانی که به تازگی از دانشگاه‌های آمریکا و اروپا فارغ‌التحصیل شده بودند دعوت کرد که به استخدام دانشگاه درآیند. یکی از نخستین کسانی که به او پاسخ داد دکتر مسعود جهان‌آرا بود که در دانشگاه رم معماری خوانده و به ایران بازگشته بود (قیومی بید هندی و سپهری، ۱۳۹۵: ص ۲۸). نخستین استادان دروس اصلی، ایرج اعتصام، هامیک مگردچیان، باقر حاتمی، منوچهر مرجان، هوشنگ مرجان، نمرود خاچی و مسعود جهان‌آرا و اساتید دروس کارگاهی^۱، بهمن پاک‌نیا و مجدالدین حاجی‌زاده بودند که اکثراً تجربه‌ی آموزشی در دو دانشگاه تهران و ایتالیا را داشتند. پس از بررسی‌های اولیه،

روش تدریس با آموزش دروس تئوری معماری در ابتدا موافقت گردید که در آموزش طراحی نیز مؤثر واقع گردد. این موضوع بیشتر با سیستم آموزشی رایج ایتالیا هم‌خوانی داشت که دروس تئوری و عملی لازم و ملزوم یکدیگر بودند و در رسیدگی به طرح‌ها و کرکسیون، بحث‌های آموزنده و تئوریک روز معماری مطرح می‌شد.

روند تدریس و دروس ارائه‌شده در دانشکده مطابق با ورود اساتید جدید و شیوه‌ی آموزشی‌شان تکمیل گشته و تغییر می‌یافت. در این دانشکده دوره‌ی معماری شش‌ساله و مدرک آن فوق‌لیسانس (کارشناسی ارشد) بود و همچون دیگر دانشکده‌های معماری، مهم‌ترین ماده درسی "معماری" بود که در هر پنج سال تحصیل و در کارگاه طراحی (آتلیه) عرضه می‌گشت و بیشترین ساعات درسی به آن اختصاص داشت. اساتید درس معماری (جهان‌آرا، مگردچیان، حاتمی، برادران مرجان و خاچی) در پنج آتلیه به نام خودشان مستقر شده بودند و دانشجو

تمرین‌های طراحی و شیوه ارائه (پرزانتاسیون) در تمرین‌های طراحی، کپی اردرها، طراحی‌های دست‌آزاد و اسکیس‌ها، روی شاسی و طرح‌های معماری همراه با راندو بود. این شیوه عیناً در دانشگاه تهران رایج و برگرفته از مدرسه بوزار بود. داوری (ژورمان) پروژه‌ها به صورت جمعی توسط استادان انجام می‌گرفت و پروژه‌هایی که بعد از ساعت تعیین‌شده تحویل می‌گردید یا ناقص بود، "خارج از مسابقه" شمرده می‌شد (ساعدا سمیعی، ۱۳۸۷: صص ۳۰-۳۲). اصطلاحاتی چون آتلیه^۲، کرکسیون^۳، کنستروکسیون، دسن^۴، پلان^۵، اتود^۶، ژورمان، پرزانتته و پرزانتاسیون^۷، استروکتور^۸، ترنسپاران^۹ که در دانشکده رایج بود، از مدرسه بوزار به دانشگاه تهران و از آن‌جا به دانشکده معماری دانشگاه ملی راه یافته بود (مصاحبه با دکتر ساعدا سمیعی، ۱۳۹۷).

در کنار شباهت‌های ذکر شده، نظام

از بدو ورود تا پایان در همان آتلیه و نزد استاد می‌آموخت. سال‌های بعد نیز دانشجویان جدید به آتلیه‌ها می‌پیوستند و بدین ترتیب، هر استاد دانشجویانی از سال‌های مختلف داشت و در هر آتلیه، دانشجویان سال‌های گوناگون با هم کار می‌کردند (قیومی بید هندی و سپهری، ۱۳۹۵: ص ۲۹). این نظام مقتبس از نظام آتلیه‌ای دانشگاه تهران و مدرسه بوزار بود.

از دیگر ویژگی‌های این دانشکده، آموزش مقدمات معماری به دانشجویان سال اول بود. در دانشگاه ملی، آموزش طراحی معماری با ترسیم اردرهای کلاسیک^۱ آغاز می‌گردید. در نیم‌سال اول، دانشجویان فقط به ترسیم و کپی کردن اردرها روی شاسی‌های بزرگ می‌پرداختند. این برنامه در دانشگاه تهران نیز اجرا می‌گردید و منابع تصویری هر دو دانشکده که در اختیار دانشجویان قرار می‌دادند یکسان بود. شیوه تحویل

6 étude
7 Presentation
8 Structure
9 Transparent

1 Classic Orders
2 Atelier
3 Correction
4 Dessin
5 Plan

آموزش در این دو دانشکده در ادوار تحصیل و کرسی استادان تفاوت داشت. نظام آموزش دانشگاه ملی سالیانه و بر پایه مواد درسی بود و به دانشجویان نمره داده می‌شد و هر دوره از آموزش یک سال تحصیلی بود که تقریباً یک سال شمسی طول می‌کشید. در دانشکده هنرهای زیبا، مدت تحصیل به دو دوره (سیکل) تقسیم و نظام آموزش معماری بر پایه مسابقات معماری و نتیجه مسابقات با ژورمان به صورت قبول یا رد مشخص می‌گردید. در دانشگاه ملی مسابقات معماری در قالب مواد درسی گنجانده شده و نتیجه ژورمان تبدیل به نمره می‌گردید.

طرح‌های معماری لزوماً بر اساس فرم و محتوا انجام گرفته و در زمان ویژه حجم‌های برگرفته از این نگرش به صورت ماکت نیز ارائه می‌گردید و تنها راندوکاری مقصود نبود. در سال پنجم دانشجویان موظف بودند به پروژه مهمی در طراحی فنی ساختمان بپردازند که به آن "کنستروکسیون" می‌گفتند. بدین منظور، معمولاً یکی از پروژه‌هایی را که

در طی تحصیل خود طراحی کرده بودند برای پروژه کنستروکسیون انتخاب کرده و برای آن نقشه‌های اجرایی ترسیم می‌کردند. نمره این پروژه همچون یک ماده درسی در کارنامه دانشجوی لحاظ می‌گردید. پروژه دیپلم آخرین پروژه معماری دانشکده بود که حکم پایان‌نامه داشت و دانشجویان بعد از تحویل دادن و قبولی در آن فارغ‌التحصیل می‌شدند (قیومی بید هندی و سپهری، ۱۳۹۵: ص ۲۹). سفرهای دانشجویی که از همان سال اول به منظور آشنایی با معماری ایران آغاز می‌شد، سبب شد تا بعدها کتاب‌های گوناگون در زمینه معماری ایران در این دانشکده تهیه و تدوین شود.

در این دانشکده یکی از واحدهای مورد نظر مونوگرافی بود که شامل برداشت بنا و مطالعات و تحقیق در خصوص تاریخ هنر بنا، سوابق بنا، جستجو در خصوص جزئیات، تزئینات، مواد و مصالح و رنگ بدنه‌ها و ارائه یک جزوه در مورد آن بنا بود. در مورد واحد مجسمه‌سازی نیز دانشجوی موظف بود یک

نیم‌سال به ساختن یک مجسمه از الگوی انتخاب‌شده دانشکده پردازد و در نیم‌سال دوم موضوعی انتخاب و با تمرین‌های مورد نیاز به ساخت یک حجم کالبدی مربوط به موضوع ارائه دهد. واحد درسی دیگری که از واحدهای ضروری به شمار می‌رفت تکنولوژی و فناوری بود که با نحوه رفتار ساختمان در مقابله با بارگذاری‌ها و ایستایی آن‌ها ارتباط داشت و مجزا از واحد مقاومت مصالح بود. در دوره‌های آغازین این دانشکده، دروس شیمی و فیزیک و حتی عربی نیز ارائه می‌گشت که به مرور از دوره شش‌ساله واحد تکنولوژی نیز پس از مدتی از واحدهای درسی معماری حذف گردید. مراحل طراحی با مطالعه و رجوع به کتاب‌ها و مجلات معماری، اتود کردن، طراحی، تصحیح طرح، کرکسیون، ترسیم و ارائه شکل می‌گرفت. دانشجویان هنگام تحویل گاهی ۱۵ روز تا ۱ ماه به خانه نمی‌رفتند و شبانه‌روز در آتلیه حضور داشتند و گاه اساتید آخر شب به آتلیه سر زده و کارها را بررسی می‌کردند. در ادامه سیستم آتلیه‌ای تغییر یافت و دانشجو با هر

استادی که او را می‌پذیرفت، واحدهای طراحی خویش را می‌گذراند (مصطفی نورالدین، ۱۳۷۸: ص ۱۶). دروس نظری در خارج آتلیه تشکیل می‌شد، دانشجویان که آتلیه را مقرر اصلی خود می‌دانستند، برای حضور در کلاس‌ها موقتاً آتلیه را ترک می‌کردند و پس از کلاس به آنجا بازمی‌گشتند. پروژه کنستروکسیون پیونددهنده‌ی دروس نظری و طراحی بود و دانشجویان در این درس می‌آموختند که چگونه از آموخته‌های دروس فنی در طرح معماری استفاده کنند. در سال آخر آموزش، یعنی قبل از گذراندن پروژه دیپلم، پروژه کنستروکسیون با تمام جزئیات تحویل داده می‌شد. بعد از گذراندن این پروژه دانشجویان مجاز به انتخاب پروژه دیپلم بودند و موضوعات انتخابی بر عهده دانشجویان بود. ترتیب امتیاز به پروژه دیپلم عالی، ممتاز، بسیار خوب و خوب، تحویل کار به صورت ماکت، پلان راندو شده و تأسیسات به صورت شیت‌های مجزا، و مدت زمان این پروژه یک سال و گاه بیشتر بود. در نهایت به عنوان گواهی پایان دوره دانشگاه، یک

نمره برای تمام دروس به صورت میانگین و امتیاز پروژه دیپلم به صورت جداگانه داده می‌شد.

شهادت بهشتی) مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

۱-۳. تغییرات آموزشی دانشکده هنرهای زیبا

بر مبنای دوره‌های ریاست افراد و اساتید دانشکده (جدول ۴)، می‌توان شیوه آموزش معماری را در دانشکده مذکور به سه دوره کلی تقسیم‌بندی نمود:

- نظام آموزش آتلیه‌ای مبتنی بر سیستم بوزار از بدو تأسیس تا سال ۱۳۴۸: این بازه زمانی مدیریت گذار (از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۸)، فروغی (از ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۱) و سیحون (از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۷) را در دانشکده شامل می‌شود (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۰: ص ۴۲۱).

- شروع تغییرات در نظام آموزش معماری مبتنی بر شیوه ترمی

(نیم‌سال) از سال ۱۳۴۸

- تغییر نظام آموزش معماری پس از انقلاب اسلامی ایران.

با توجه به اینکه دانشجویان در دو سال ابتدایی تحصیلشان تعداد زیادی از پروژه‌های در حد اجرایی را به واسطه دروسشان همراه با دیتیل‌های دقیق و فنی ارائه می‌کردند، دفاتر مهندسی اغلب برای اجرایی کردن نقشه‌هایشان از دانشجویان دانشگاه ملی استفاده می‌کردند. همچنین دفتر فنی در دانشگاه که با نظارت دکتر جهان‌آرا جهت طراحی و اجرای ساختمان‌های این دانشگاه به وجود آمد، موجب راه پیدا کردن پروژه‌هایی خارج از دانشگاه به دفتر فنی گردید.

۳. تجزیه و تحلیل

در راستای رسیدن به هدف مقاله و بررسی تحولات آموزشی در حوزه‌ی آموزش معماری، تحولات آموزشی شکل گرفته در دو دانشگاه مادر (دانشگاه تهران و

جدول ۴- روسای دوره‌ای و نخستین استادان دانشکده هنرهای زیبا

روسای دوره‌ای دانشکده هنرهای زیبا	
آندره گذار	ابتدای تأسیس تا اواخر ۱۳۲۹
محسن فروغی	مرداد ۱۳۳۲ تا خرداد ۱۳۴۱
هوشنگ سیحون	خرداد ۱۳۴۱ تا شهریور ۱۳۴۷

محمد امین میرفندرسکی	شهریور ۱۳۴۸ تا مرداد ۱۳۵۰
نخستین استادان دانشکده هنرهای زیبا	
آندره گدار	اولین رییس دانشکده و عضو شورای دانشگاه
محسن فروغی	استاد معماری
محسن مقدم	استاد تاریخ صنعت
یو کینا آفتاندیلیانس	استاد معماری
ماکسیم سیرو	معلم معماری
الکساندر موزر	معلم هنر
مارتسلستین آشوب امینی	معلم هنر
خاچیک بابولیان	استاد معماری
ابوالحسن صدیقی	استاد مجسمه سازی
علی محمد حیدریان	استاد نقاشی
غلامرضا عبادی	استاد نقاشی
حسنعلی وزیری	استاد موسیقی
رولاند دوپرو	استاد معماری

راهنمای دانشگاه تهران، ۱۳۴۷). همچنین ترکیب هیئت علمی نیز به ۴ درجه استاد، دانشیار، استادیار و مربی تغییر کرد.

دوران ریاست میرفندرسکی در دانشکده، از فارغ‌التحصیلان اروپا به ویژه ایتالیا و همچنین انگلستان، بلژیک و آلمان برای تدریس دعوت به عمل آمد و دانشجویان با سبک‌ها و فرهنگ‌های متنوع‌تری آشنا شدند و روش تدریس معماری از شیوه بوزار به سیستم تعلیمات کشور ایتالیا متمایل گردید. دانشجویان سال‌های مختلف که همواره در آتلیه‌ها

با به اوج رسیدن مدرنیسم در اروپا و هم‌زمان با جنبش دانشجویی-کارگری ۱۹۶۸ فرانسه، در ایران نیز تغییر و تحولاتی رخ داد و دانشجویان به مسائل تئوری و تحولات به‌روز مانند جامعه‌شناسی معماری، اقتصاد، اجتماعی، گسترش شهرها و ... تمایل پیدا کردند. با ریاست پروفسور رضا در دانشگاه تهران، سیستم جدید آموزشی طرح شد و این سیستم از نظام فرانسوی به نظام آمریکایی تغییر کرد و منجر به ایجاد گروه آموزشی و ترم تحصیلی (نیم‌سال) گردید (رک .

در جوار یکدیگر تحصیل می‌کردند، از هم تفکیک شدند. تغییر سیستم آتلیه‌ای و افزایش تعداد دروس نظری، اضافه شدن دروس مقاومت مصالح، بتن آرمه و تاریخ هنر به پیشنهاد میرفندرسکی سبب شد از پروژه‌های طراحی کاسته شود، حضور در آتلیه‌ها کم‌رنگ و آتلیه‌ها صرفاً محل کرکسیون گردید. سیستم امتیازدهی مانسیون نیز تغییر یافته و نمره از ۲۰ تعیین گردید. تأسیس دیارتمان شهرسازی به ریاست دکتر اعتصام نیز در این دوره شکل گرفت.

اهمیت شناخت معماری بومی ایران به‌صورت جدیدتر در دانشکده مطرح شد و کتاب‌ها و مقالات زیادی در زمینه حفاظت و باززنده‌سازی بافت‌های قدیمی تألیف گردید. دانشکده قبل از انقلاب به دو صورت از حضور اساتید خارجی استفاده می‌کرد: کسانی که برای شرکت در کنگره‌ها و کنفرانس‌ها به ایران می‌آمدند و به دعوت دانشکده برای دانشجویان سخنرانی می‌کردند، و اساتیدی که به طور مستقیم دعوت می‌شدند. ریچارد نوئترا، معمار معروف

دوره مدرنیسم، پروفیسور کوآرونی استاد دانشگاه رم، پرودلاو استاد شهرسازی دانشگاه لیورپول که به توصیه دکتر اعتصام دعوت گردید و یک ترم تحصیلی هم در دانشکده تدریس کرد (مصاحبه با دکتر اعتصام، ۱۳۹۷). حضور معماران خارجی تنها برای سخنرانی نبود و برای کار و اجرای پروژه نیز به ایران می‌آمدند. همچنین در زمان ریاست میرفندرسکی، معمارانی مانند نادر اردلان و کامران دیبا که خارج از ایران تحصیل کرده بودند و در کنگره‌های معماری فعالانه شرکت می‌کردند، استخدام نیمه‌وقت دانشگاه گردیدند.

پس از انقلاب اسلامی ایران، شورایی با هدف ایرانی کردن آموزش معماری در ایران و توجه به مبانی اسلامی تشکیل گردید. به تصویب این شورا، دروسی مانند مبانی هنر اسلامی در شرح درس‌ها اضافه و به کلیه دانشکده‌های معماری ابلاغ گردید. برنامه دوره دکتری معماری تدوین و از نیم‌سال دوم ۱۳۷۰ پذیرش دانشجویان دکتری معماری آغاز گردید. در سال ۱۳۸۴ تبدیل دانشکده به پردیس

معماری منظر، مرمت، تکنولوژی، معماری داخلی ایجاد گردید و طراحی که از موارد مهم در جذب دانشجویان در بدو ورود تلقی می‌شد، از کنکور ورود به رشته معماری حذف گردید.

در حال حاضر در این دانشکده، برای رونق هر چه بیشتر آتلیه‌ها و ارتقای کیفیت آموزش از سال ۱۳۸۰، دانشجویان ورودی جدید به دو گروه مساوی تفکیک شده و تا دو سال به شیوه معمول آموزش می‌بینند، سپس در دو سال دوم کارشناسی، دانشجویان هر سال به شکل جمعی در دو آتلیه تحت عنوان کارگاه ۵ و ۶ تقسیم شده و طرح‌های دو تا پنج را در آتلیه‌ای واحد می‌گذرانند و به مدت دو سال در همین آتلیه می‌مانند. یکی از نکات مثبت این آتلیه، برقراری احساس صمیمیت میان دانشجویان در فضای کلاس است. به همین منظور و برای پیوند دانشجویان با محیط آتلیه، فعالیت‌هایی همچون برگزاری جلسات و مناسبت‌ها شکل می‌گیرد. یکی از نکات محوری در روند آموزش در این آتلیه‌ها، توجه به خلاقیت دانشجویان و تلاش در جهت

هنرهای زیبا به دلایل زیر صورت گرفت:

۱. مؤسس رشته‌های هنری در ایران،
 ۲. نقش مؤثر در تأسیس بسیاری از دانشکده‌های هنری در ایران،
 ۳. منحصر به فرد بودن،
 ۴. حضور دانش‌آموختگان پردیس در مقیاس جهانی و ملی به علت ارائه آثار برجسته هنری،
 ۵. کسب جوایز برتر در اکثر جشنواره‌های هنری ایران و جهان.
- دپارتمان‌ها به دانشکده تبدیل شدند و هر دانشکده گروه‌های آموزشی خود را شکل داد.

در این دوره نسبت واحدهای عملی و نظری تغییر فاحشی پیدا کرد که می‌توان به اضافه شدن درس روستا و تأسیسات ایستایی به صورت جداگانه اشاره کرد. در نتیجه، تعداد دروس پایه افزایش و تأکید بر واحدهای طراحی کاهش یافت. تا سال ۱۳۷۷ پذیرش دانشجو به صورت کارشناسی ارشد پیوسته بود و از سال ۱۳۷۸ به دوره کارشناسی تغییر پیدا کرد. همچنین گرایش تحصیلی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری شامل معماری،

کشف استعدادها و پروراندن خلاقیت با برگزاری جلسات گفتگو و بحث و رفتارهای جمعی است.

۳-۲. تغییرات آموزشی دانشکده معماری دانشگاه ملی

تغییرات آموزش طراحی معماری در دانشکده در طول دهه‌های متوالی و با حضور اساتید مختلف رخ داد. بهروز حبیبی، محمد میرزاعلی طهرانی، فتانه نراقی، حسینعلی اولیاء و پرویز وزیری فراهانی استادان جدیدی بودند که به تدریج از میانه سال تحصیلی ۱۳۴۱-۱۳۴۲ به دانشکده پیوستند. یکی از این تغییرات، تغییر در نظام آتلیه‌ای از حدود سال پنجم تأسیس دانشکده بود (رک. راهنمای دانشگاه ملی ایران سال تحصیلی، ۱۳۴۳-۴۴: ص ۱۲۴). به این ترتیب که آتلیه‌های دانشکده به تدریج سالی شده و دیگر هر آتلیه متعلق به استاد خاصی نبود. دانشجویان هر سال را با یک استاد می‌گذرانند و استاد فقط به دانشجویان سال معینی درس می‌داد. ممکن بود تنها یک استاد در آتلیه باشد و به دانشجویان سال معینی درس

دهد و ممکن بود چند استاد هم‌زمان در آتلیه باشند و هر یک به دانشجویان خود درس دهد (مصاحبه با دکتر اعتصام، ۱۳۹۷). با تبدیل نظام آتلیه‌ای به سالی، داوری جمعی یا ژورژمان تبدیل به داوری فردی شد و هر استاد فقط پروژه‌های دانشجویان خود را داوری می‌کرد و به آنان نمره می‌داد. استادان جدید گاهی در هنگام داوری، دانشجو را فرامی‌خواندند و از او می‌خواستند تا کار خود را شفاهی توضیح دهد. شیوه تدریس در آتلیه‌ها نیز تغییر یافت. پیش از این، استاد در آتلیه حضور می‌یافت و کار دانشجویان را اصلاح می‌کرد و معمولاً تعاملی با دانشجو نداشت؛ اما استادان جدید هنگام کرکسیون با دانشجو فقط خط نمی‌کشیدند؛ بلکه با دانشجو گفتگو و تبادل نظر نیز می‌کردند. با این تغییرات، از کمیت تمرین‌های طراحی کاسته شد و دانشجویان مدت بیشتری را در پروژه‌ها تأمل می‌کردند. حسینعلی اولیاء از استادان عامل تغییر بود که با دانشجویان بحث و گفتگو کرده و به مسائل اجتماعی و تاریخ و فرهنگ ایران توجه نشان می‌داد.

شیوه ارائه تمرین‌های معماری نیز تغییر کرد. پیش از ورود استادان جدید، دانشجویان پروژه‌ها را در انتهای نیم‌سال روی شاسی تحویل می‌دادند. استادان جدید معتقد بودند تمرکز بر زیبایی‌شناسی‌ها و شیوه ارائه موجب تأمل کمتر در طرح و مقدمات آن می‌شود. از این رو به شیوه‌های ارائه کمتر اهمیت داده و گرافیک طرح و مسائل مربوط به آن را اصل ندانستند و برخی پروژه‌ها را روی کاغذ پوستی و کالک تحویل می‌گرفتند. از این رو آلبوم شامل مجموعه‌ای از برگه (شیت)‌های نقشه جایگزین تحویل طرح بر روی شاسی گردید. در عوض هنگام تحویل، مدارک بیشتری نظیر نقشه نمای همه وجوه طرح، نقشه مقطع‌های گوناگون طرح به نحوی که طرح را کاملاً گویا کند و نیز نقشه سازه و جزئیات اجرایی را از دانشجویان طلب می‌کردند. تغییر دیگر در آموزش مقدمات معماری بود. ترسیم اردرهای کلاسیک از برنامه آموزشی کنار گذاشته شد و رفته‌رفته "مطالعه اجزای معماری"، "آشنایی با عناصر معماری از طریق ترسیم" و

"برداشت نقشه بناهای موجود (رولوه)" جانشین آن شد. با ورود فتانه نراقی، که او نیز تحصیل کرده دانشگاه رم بود، درسی به نام "معماری داخلی" در برنامه دانشکده گنجانده شد. پروژه این درس بناهایی کوچک بود که دانشجویان می‌بایست به مدت یک سال فضای داخلی آن را طراحی و نقشه‌های دقیق آن را در مقیاس ۱:۲۰ تهیه می‌کردند (قیومی بید هندی و سپهری، ۱۳۹۵: ص ۳۲). استادان جدید که از سال ۱۳۴۱ به تدریج وارد دانشکده معماری شدند، همانند گروه استادان اولیه پایه‌گذار دانشکده، نخست در دانشکده هنرهای زیبا تحصیل کرده و سپس به دانشگاه رم رفته بودند؛ اما مسیر تحصیل ایشان با گروه اول تفاوتی بارز داشت. گروه دوم تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا را با اعتراض و نیمه‌کاره رها کرده و به رم رفته بودند و تحصیل معماری در دانشگاه رم را از ابتدا آغاز کرده بودند و با شیوه‌ی متفاوت با بوزار پرورش یافته بودند. این نارضایتی از شیوه آموزش طراحی معماری در دانشگاه تهران و آشنایی ایشان با شیوه آموزش معماری در

دانشگاه رم مایه دگرگونی آموزش معماری در دانشگاه ملی شد. دانشگاه ملی، که از ابتدا با انگیزه تغییر در نظام آموزشی، به ویژه نظام آموزشی دانشگاه تهران پایه‌گذاری شده بود، بستری مناسب برای تحقق این اصلاح‌طلبی بود.

نتیجه‌گیری

یکی از آثار افزایش ارتباط ایران با غرب، اعزام دانشجو به اروپا و بازگشت تحصیل کرده‌های فارغ‌التحصیل از سیستم آموزشی بوزار بود که در پی آن تأسیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را در سال ۱۳۱۹ به همراه داشت. این دانشکده با تبعیت از سیستم آموزشی بوزار فعالیت خود را شروع کرد و به تدریج با اضافه شدن فارغ‌التحصیلان اروپایی به سیستم آموزشی، روند آموزشی آن دچار تحول گردید و در ادامه پس از رخ دادن انقلاب اسلامی در ایران تا حدی متحول گردید. در این بین

دانشگاه ملی ایران به عنوان اولین دانشگاه غیردولتی با نیت اصلاح آموزش عالی ایران در سال ۱۳۳۹ بنیان نهاده شد. اولین استادان دانشکده معماری در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران تربیت شده و تحصیل خود را در دانشگاه رم تکمیل کرده بودند که نتیجه‌ی آن ترکیب آموزش به سبک بوزار و ایتالیا در این دانشگاه بود. این دانشگاه از نظر آموزشی در کنار شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز با پردیس هنرهای زیبا داشت (جدول ۵). تغییر نظام آتلیه‌ای، نشان دادن آلبوم نقشه به جای شاسی‌های رنگی، حذف ژوژمان، حذف آموزش اردرهای کلاسیک از متن آموزش طراحی معماری و آموختن ترسیم اجزای معماری به جای آن، از ویژگی‌های آموزش معماری در دانشکده معماری دانشگاه رم بود که استادان جدید آن‌ها را به دانشگاه بهشتی به ارمغان آورده و آن را با زمینه دانشکده و ایران تنظیم کردند.

جدول ۵- شباهت‌ها و تفاوت‌های آموزش معماری در دانشگاه تهران و دانشگاه ملی

اختصاص دادن و نام‌گذاری هر آتلیه به نام یک استاد	۳. ۲. ۱. ۰
نظام آتلیه‌ای و همجواری با سال بالایی‌ها مقتبس از بوزار	
راه یافتن اصطلاحات کرکسیون، کنستروکسیون، دسن، پلان، اتود، ژوژمان و پروزانه از بوزار	

	شیوه تحویل پروژه‌ها روی شاسی به همراه اسکیس و راندو برای هر پروژه مانند بوزار
	سیستم شارت مطابق با بوزار و تحویل پروژه‌ها در روز و ساعت مشخص
	برنامه‌ی درسی مطابق با بوزار در نیم‌سال اول و دوم شامل ترسیم اردرهای کلاسیک و کپی‌برداری بود و آغاز پروژه‌های معماری با موضوع مشترک در آتلیه‌ها
	ترسیم نقشه‌های اجرایی در سال پنجم در پروژه طراحی فنی ساختمان (کنستروکسیون) و اجرای هر آن‌چه در مقاومت مصالح، مکانیک ساختمان، مصالح ساختمان، بتن و تاسیسات آموخته بودند در دل پروژه
	تغییر نظام آموزشی دانشگاه شهید بهشتی با ورود فارغ التحصیلان جدید از ایتالیا و ترکیب سیستم ایتالیا و بوزار
تغییر	برقرای نظام آموزشی سالانه و منسجم در دانشگاه شهید بهشتی برپایه مواد درسی و اختصاص نمره به پروژه‌ها در مقابل نظام آموزشی باز و آزاد در هنرهای زیبا
	گرایش به مفاهیم و دروس تئوری در دانشگاه بهشتی به عنوان پروژه تحقیقاتی و گرایش به دروس عملی و هنری در دانشگاه تهران
	اهمیت دروس کاربردی فنی و دیتیل در طرح‌ها در دانشگاه بهشتی و توجه به جنبه‌ی فرمال و کانسپت طرح‌ها در دانشگاه تهران
	حضور تمام وقت اساتید در آتلیه در دانشگاه شهید بهشتی و دستیاران و سال بالایی‌ها در دانشگاه تهران

۲۳۸ عدد رسیده است. با تحولات رخ داده در سیستم آموزشی اعم از تعدد دانشکده‌های معماری، نحوه جذب، ارزیابی و آتلیه‌هایی که در هر دانشگاه با سبک و نظر اساتید مختلف شیوه‌ی آموزشی متفاوتی را پیش گرفته‌اند، با کثرت در آموزش معماری مواجه هستیم. تفکیک خط مشی و سیستم آموزشی این دانشگاه‌ها نیازمند آسیب شناسی و ارزیابی کیفی روند آموزشی هر دانشکده به طور جداگانه می‌باشد. آنچه روشن

پس از دانشکده هنرهای زیبا با تاسیس دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و دانشگاه علم و صنعت و سایر دانشگاه‌های کشور، آموزش معماری به صورت آکادمیک رواج پیدا کرد و دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه مادر الگوی بسیاری از دانشکده‌های معماری قرار گرفت. هم اکنون تعداد دانشکده‌های معماری در دانشگاه‌های دولتی، غیر انتفاعی و پیام نور (بدون در نظر گرفتن میزان پذیرش دانشجو از طریق دانشگاه آزاد اسلامی) به

است سیستم آموزشی نیازمند پاسخگویی
به نیازهای دانشجویان در دنیای مدرن
بوده که می‌توان برای پژوهش‌های آتی
بررسی تغییرات بوجود آمده و عوامل
تاثیرگذار عصر حاضر (مانند تکنولوژی،
رایانه، شبکه‌های اجتماعی، ارتباط بی
حد و مرز با دنیای پیرامون، ایده گرفتن و
گازها تقلید دانشجویان، کمرنگ شدن کار
دست، تغییرات اجتماعی و شغلی و ...) و
نحوه‌ی مواجهه‌ی سیستم آموزشی با این
تغییرات را در نظر گرفت.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه/رساله: این مقاله مستخرج از رساله/پایان نامه نمی باشد.



منابع

- آموزشی، معماری و فرهنگ. ش ۳۲، صص ۳۶-۳۰.
- اصلیلی، سوسن (۱۳۹۶). اسناد تاریخ دانشگاه تهران. ناشر: خانه کتاب.
- اعتصام، ایرج (۱۳۸۷). تحولی نوین در آموزش آکادمیک معماری، فصلنامه معماری و فرهنگ. ش ۳۲، صص ۷-۵.
- اعتصام، ایرج (۱۳۸۷). تکنولوژی در کنار آموزش سنتی، فصلنامه معماری و فرهنگ. ش ۳۴، صص ۲۲-۱۸.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- راهنمای دانشگاه تهران (۱۳۴۴). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راهنمای دانشگاه تهران (۱۳۴۷). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راهنمای دانشگاه ملی ایران (۱۳۴۴). تهران: دانشگاه ملی ایران.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶). از مدرسه صنایع مستظرفه تا دانشکده هنرهای زیبا، مروری بر زمینه‌های شکل‌گیری و تاسیس دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران، نشریه هنرهای زیبا. شماره ۳۰، صص ۵-۱۲.
- ساعدسمیعی، اصغر (۱۳۸۷). سازمان نظام آموزشی، معماری و فرهنگ. ش ۳۲، صص ۱۵-۵.
- صارمی، علی اکبر (۱۳۸۷). معماری مدرن، تفکر مدرن، معماری و فرهنگ. ش ۳۲، صص ۱۷-۱۱.
- قیومی بید هندی، مهرداد و یحیی سپهری (۱۳۹۵). تاریخ آموزش طراحی معماری در دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران)، صفه. ش ۷۴، صص ۲۵-۳۹.
- قیومی بید هندی، مهرداد (۱۳۸۵). آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه، صفه. ش ۴۲، صص ۶۴-۸۵.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۰). تاریخ تحول دانشگاه تهران و موسسات آموزش عالی. تهران: دانشگاه تهران.
- مصاحبه با دکتر ایرج اعتصام و آرشیو کتابخانه ایشان (۱۳۹۷).
- مصاحبه با دکتر ساعد سمیعی و آرشیو

کتابخانه ایشان (۱۳۹۷).

- ندیمی، حمید (۱۳۷۵). آموزش معماری دیروز و امروز، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ش ۱۳، صص ۱۳-۴۶.
- نشریه دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۴۳). شماره ۲.
- نورالدین، مصطفی (۱۳۷۸). نحوه نگرش به معماری در دانشگاه شهید بهشتی، فصلنامه معماری و فرهنگ. ش ۳۲، صص ۱۵-۱۶.

